

ادامه از صفحه اول

گزینه‌هایی برای آینده سوریه*

این همه گروه‌هایی که به نام اسلام می‌جنگند، آیا واقعا دغدغه اسلام و اخلاق دارند؟ قاعدتا همه ما باسختی مشابه برای این سوالات داریم. همه معتقدیم که باید دولت و گروه‌های سوریه‌ای که تروریست نیستند، دست از توهم برداشته و بدانند که هیچ‌کس نمی‌تواند به‌تنهایی اوضاع را تغییر داده و مسیر مردم‌سالاری را زنده کند. اما عمق فاجعه اینجاست که در سوریه و در منطقه، صدای جنگ‌سالاران بلند است، به‌گونه‌ای که گوش جهان را کر می‌کند و صدای اصلاح‌طلبان و دموکراسی‌خواهان ضعیف است، رئیس‌جمهور دوران اصلاحات به‌عنوان رئیس مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها اخیرا در یک سخنرانی به بررسی این پدیده پرداخته و گفته است باید راهی پیدا شود تا صدای اصلاح‌طلبی و تعادل را بیشتر بشنویم تا بتوانیم امید را در دل و ضمیر ملت‌های منطقه زنده نگه داریم و اگر چنین نشود، دود سیاه همچنان آسمان سوریه را تارنکت خواهد کرد. قبل از اینکه سناریوی محتمل برای آینده سوریه را در این مجال مطرح کنم، باید تاکید کنم در ارزیابی مقصران این ترازوی غم‌انگیز، نمی‌توانیم تنها و تنها دولت سوریه را مقصر بدانیم بلکه باید عملکرد نیروهای موجود در صحنه و رفتار برخی دولت‌های منطقه‌ای را نیز در به‌بودآمدن این وضعیت مؤثر بدانیم. به‌طورکلی وضعیت فعلی محصول دو اشتباه بزرگ است:

(الف) خطای دولت سوریه:

در سال ۲۰۱۱ با شروع تظاهرات در چندین شهر سوریه، مردم و گروه‌های موجود در صحنه اعتراضات که بهترین آنها اخوان‌المسلمین بودند، درخواست‌های اصلاح‌طلبانه‌ای را مطرح کردند، به‌طورمثال تقاضای اصلاح نظام را در چندین جمعه تکرار کردند. در یکی از بیانیه‌ها اعلام کردند که خواهان برکناری نخست‌وزیر و تغییر قانون اساسی مبنی بر امکان مشارکت بیشتر مردم و احزاب در قدرت هستند. اما بر خود صورت‌گرفته، خواسته‌های مردم را بالا برد و خواستار استدار تغییرات بنیادین شدند. امید به اصلاح، جای خود را به ناامیدی داد. نیروهای سالم‌ت‌جو به نیروهای مسلح تبدیل شدند. کمتر از یک سال پس از آغاز اعتراضات، سلاح‌های سبک و سنگین به میدان‌های شهرها و روستاها آمد و جنگ داخلی آغاز شد. سؤال جدی همین‌جاست؛ این سلاح‌ها از کجا آمد؟ قبول دارم ارتش آزاد، بخشی از سلاح خود را از یادگان‌ها به دست آورد، اما سلاح‌های بیشتر و آموزش‌های نظامی نیروهایی که هیچ شناختی روی آنها نبوده است، سبب شده به‌جای یک ارتش منظم با هدف ایجاد امنیت و ایجاد نوعی از توازن، خلأ امنیتی ایجاد شده و همین شرایط، سوریه را به مرکز اصلی تربیت تروریست تبدیل کرده است.

(ب) خطای بازیگران منطقه‌ای:

خطای دوم و بزرگ‌تر در سوریه را در میان بازیگران داخل و خارج، همه کسانی مرتکب شدند که جنگ‌سالاران را در مقابل ارتش قرار دادند و سلاح‌های سبک و سنگین، پول و امکانات زیادی را به داخل سوریه روانه کردند. همه ما می‌دانیم ارتش‌ها سرمایه ملی هستند و باید به‌عنوان سرمایه ملت‌ها باقی بمانند. باور نگارنده این نیست که نیت همه کشورهای که مرتکب این خطا شدند، توطئه‌آمیز بود. شاید خطای محاسبه، آنان را به این وضعیت کشاند، اما در مورد کشورهایی چون عربستان سعودی که نقش تخریبی آن‌ها در جلوگیری از پیشرفت دموکراسی در جهان عرب بر هیچ‌کس پوشیده نیست، چگونه باید باور کرد که این کشور از مردم سوریه برای دموکراسی حمایت می‌کند؟ نمونه یم و بحرن دلیل روشنی است که عربستان سعودی دلارهای نفتی خود را چگونه برای انحراف انقلاب‌های عربی به کار گرفته و این انقلاب‌ها را در نطفه خفه کرده است. در حقیقت کشورهای که از تروریست به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم یا بر اثر خطای محاسبه حمایت کردند...

ادامه در صفحه ۸

مهدی دهقان؛ پروفیسور پرویز کردوانی، پدر علم کویرشناسی ایران، در نشست‌های مختلف، بارها در مورد غارت‌شدن آب و تبدیل کشور به بیابانی بزرگ هشدار داده است، این‌بار این استاد نمونه دانشگاه تهران و پدر علم کویرشناسی ۸۳ساله ایران و عضو انجمن متخصصان محیط‌زیست ایران، در جمع کارکنان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی حاضر شد و به سخنرانی خود را در مورد بررسی مسائل و مشکلات منابع آب کشور در راستای تدوین برنامه ششم توسعه ارائه داد که در این نشست، بر عمیق‌تر شدن عمق چاه‌های آب، نابودی استان‌ها با انتقال آب، متروکه‌شدن روستاها، تشدید معضل ریزگردها با خشک‌شدن رودها و تالاب‌ها و به‌طورکلی غارت‌شدن آب، هشدار داد که درادامه آورده می‌شود.

آب ایران با بی‌توجهی تمام در حال غارت‌شدن است و از سوی دیگر، تمام توجه مسئولان به دغدغه‌های شهری است و توجهی به مصرف بی‌رویه آب ندارند و اگر هم تصمیمی در این زمینه اتخاذ شود، دیر است. سمنیاری ویژه آب در وزارت کشور برگزار شد که از بنده نیز دعوت کردند، اما نرفتم، زیرا چنین سمنیارهایی برای رسیدگی به معضل، بسیار دیر است. گزارش‌ها و اطلاعات در مورد بحران آب نشان می‌دهد کشاورزی در استان‌های مختلف در حال تعطیل‌شدن است. آب چاه‌ها همچون پس‌انداز است و در زمان بحران باید از آن استفاده کرد، متأسفانه سدها آب دارد، اما وزارت نیرو آن را به روی مردم باز نمی‌کند که همین امر سبب شده تاکنون ۶۰ درصد مصرف آب شرب از چاه‌ها باشد، با چنین تصمیماتی باید برخورد شود.

کسی باور نمی‌کند آب نیست

دستور تشکیل شورای‌عالی آب هم صادر شده است، اما چنین اقدامی دیگر فایده‌ای ندارد، زیرا امروزه کسی باور نمی‌کند آب نیست و کشور با بحران کم‌آبی مواجه است، اما نشانه‌های آن را می‌توان در گوشه‌وکنار کشور مشاهده کرد که نمونه آن، خالی از سکنه‌شدن روستاهاست. شرایط ما هر روز در حال بدترشدن است و از سوی دیگر، همواره شعار صرفه‌جویی می‌دهیم. طبق گفته‌های نوبخت، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۲۲ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برای خروج از رکود برداشت شده‌است که قسمتی از این اعتبار یعنی ۱۱۰ میلیارد تومان به کشاورزان اصفهان داده‌اند تا کشاورزی نکنند. اما متأسفانه شاهد وضعیت اسفبار رودها و دریاچه‌ها هستیم که نمونه آن کارون است، در کارون سیری کشت می‌شود و قسمتی از کارون به نخاله زباله تبدیل شده است. از سوی دیگر، طی چند روز گذشته تصمیم‌گیری شد که آب کارون به چهارمعال‌وبختیاری سسب به اصفهان، یزد و کرمان برود و هیچ‌کس به این موضوع توجه ندارد که آب در حال تمام‌شدن است یا در استان اصفهان تا شعاع ۵۰ کیلومتر شهرک صنعتی زده‌اند و توسعه بدون برنامه‌ریزی صورت گرفته که سبب عمیق‌ترشدن چاه‌ها و خشک‌شدن زاینده‌رود شده است. در مورد راهکارهای خروج از این وضعیت باید گفت روش مصرف را باید عوض کرد و از سوی دیگر، باید مانع توسعه بدون برنامه‌ریزی شد. خشک‌شدن چاه‌ها، رودها و دریاچه‌ها و همچنین بیابانی‌شدن ایران، تبعات و پیامدهای مختلفی به دنبال دارد که نمونه آن بروز ریزگردهاست، زمین‌های کشاورزی استان‌های مختلف ازجمله اصفهان، که طی ۲۰ سال گذشته در کث‌شدن صورت تخریفه، اکنون معضل ریزگردها را تشدید کرده است، دراین‌زمینه هشدارهای بسیار زیادی داده شده است اما گوش شنوایی برای آن نیست، به عنوان مثال هشدار دادیم ۹۰ درصد چاه‌های رفسنجان باید بسته می‌شد، ضمن اینکه در دهه ۶۰ هم هشدار داده بودم در این منطقه باید فقط ۴۰ چاه حلقه چاه در این منطقه هستیم که به دنبال این امر، سالانه ۵۰۷ هکتار باغات رفسنجان در حال خشک‌شدن است. یا میلیاردها تومان برای کارخانه‌ها خرج کردند؛ کارخانه‌هایی که نیاز به آب داشت و آب کشاورزان را به کارخانه‌ها دادند و

اکنون همین بخش صنعت خواهان انتقال آب است. بی‌تدبیری و غیرکارشناسی‌بودن تصمیمات مسئولان نیز به مشکل کم‌آبی دامن زده است، به عنوان نمونه در کردستانی که سالانه ۵۰۰ میلی‌متر بارندگی دارد و دارای پنج رود است؛ رودهایی که تأمین‌کننده ۲۰ درصد آب موردنیاز هستند، اما امروز آب این استان به دیگر مناطق منتقل شده و خود کردستان با مشکل کم‌آبی روبه‌رو شده است یا مسئولان کشور صنعت پتروشیمی، فولاد و آلومینیوم را به بندرعباس برده‌اند، چنین صنعت‌هایی به آب زیادی نیاز دارد و از سوی دیگر، بندرعباس با مشکل تأمین آب جدی روبه‌رو است، چرا باید چنین تصمیماتی اتخاذ شود؛ استانی که حتی در تأمین آب شهروندان خود نیز درمانده است. امروزه افرادی هستند که ماشین زیر پایشان سه میلیارد تومان قیمت دارد، اگر بنزین لیتری صد هزار تومان هم باشد، مجبور هستند آن را خریداری کنند، زیرا ماشین سه میلیاردی بدون بنزین بدون استفاده خواهد بود، همین وضعیت را در مورد کارخانه‌ها شاهد هستیم، کارخانه‌هایی که آب ندارند و صاحبان آن برای جلوگیری از تعطیل شدن آن، خواهان انتقال آب هستند.

دشت‌ها فقط برای کشاورزان ممنوعه است

درحال حاضر شاهد هشدار و ممنوعیت‌هایی از سوی مسئولان هستیم که این هشدارها، تنها برای مردم و کشاورزان است، دراین‌زمینه می‌توان گفت دشت ممنوعه فقط برای کشاورز درمانده ممنوع است، اما دیگران از آن استفاده می‌کنند، در استان‌های مختلف ازجمله خراسان، کرمان و یزد دشت ممنوعه وجود دارد، اما ممنوع‌بودن آن فقط برای کشاورز است و از سوی دیگر چاه‌های نیمه‌عمیق به عمیق تبدیل شده است که به نوعی غارت آب صورت گرفته است، با چنین وضعیتی به کجا می‌رویم؟ به وزارت نیرو می‌گویم دیگر آبی وجود ندارد، می‌گویند کف‌کنی کن! امروز قانون برای همه یکسان اجرا نمی‌شود، کشاورزان نیز از این وضعیت خسته شده‌اند که نشانه و تبعات آن فروش زمین‌های کشاورزی و مهاجرت کشاورزان به سمت تهران و کلاشهرها است.

۸۵درصد روستاهای یزد خالی از سکنه

تاکنون شاهد حفر چاه‌های بسیار زیادی در استان‌های کشور بودیم، گویا آب این چاه‌ها فقط برای کشاورزی ممنوع است، وضعیت اینفشار کم‌آبی را از آمار مهاجرت می‌توان متوجه شد. هر پنج سال یک‌بار آمار مهاجرت استخراج می‌شود اما با یزد استخراج آمار هر ماه است، زیرا ۸۵ درصد روستاهای یزد تعطیل و خالی از سکنه شده که یکی از دلایل آن، این است که آب این استان به صنعت داده شده است. مسئولان می‌گویند ۵۵ درصد مواد غذایی از خارج تأمین می‌شود؛ چنین گفته‌ای دروغ است، وضعیت کشاورزان را از آمارهاست؛ زیرا ۹۵ درصد روغن، چای، نان و گندم از خارج تأمین می‌شود. سازمان ملل هشدار داده تا ۲۰ سال آینده مهم‌ترین مسئله کشورهای جهان، امنیت غذایی است. اگر خواهان زندگی‌کردن هستیم باید مطابق محیط‌زیست فعالیت کنیم. به عنوان مثال ظروف یک‌بارمصرف در کشورهای پیشرفته کمتر استفاده می‌شود؛ زیرا تهدیدی برای محیط‌زیست است، یا برای جلوگیری از تشدید معضل ریزگردها به جای مالچ‌پاشی باید رنگ‌پاشی شود که مطابق محیط‌زیست است یا اکنون در دنیا شاهد این هستیم که آجر، مالچ و بنزین، اتانول و... مطابق محیط‌زیست تهیه می‌شود. اما وضعیت ایران در این میان چشم‌طور است، اکنون نفت داریم، اگر چنین نعمتی نداشته باشیم وضعیتمان چه می‌شود؟ متأسفانه اکنون با درآمد نفتی اقدام به واردات می‌کنند که همین امر به تهدید و آسیب برای تولیدکننده‌ها از جمله کشاورزان تبدیل شده است.

اقتصاد

پروفسور پرویز کردوانی در جمع کارکنان سازمان مدیریت:

آب را غارت می‌کنند

به‌امید بارندگی نباشیم

شهرها به شهر سرطان آدم و روستاها به منطقه‌ای بدون آب و ریزگردها تبدیل شده است. از سوی دیگر بارندگی کم شده است، زیرا کره زمین در حال گرم‌شدن است و به دنبال آن بارندگی مناطق خشک، کمتر و مناطق پربارش، بیشتر می‌شود؛ بنابراین تعادل چرخه کره زمین از بین رفته است و باید به مردم گفت که به امید بارندگی نباشند. به عنوان مثال سطح آب در جهرم ۵۷۰ متر، در رفسنجان ۴۵۰ متر و در شهریار ۳۰۰ متر پایین رفته است؛ چرخه طبیعت با اقدامات نابجا نامتعادل شده است. حدود یک‌سال‌وَنیم است که هشدارها در مورد وضعیت بحرانی آب بیشتر شده است اما بحران آب خیلی زودتر از این زمان آغاز شده و اکنون واقعا آب نیست و بسیاری از تالاب‌ها و چاه‌ها خشک شده‌اند. اکنون شاهد پُرآب‌بودن استان‌های شمالی هستیم اما آب استان‌های شمالی از جمله مازندران به دلیل استفاده بسیارزیاد از کود اِرت برای کشت برنج، سمی شده است که یکی از دلایل افزایش سرطان معده در بین شهروندان این استان‌ها، همین امر است. اکنون ۹۵ درصد آب این استان از آب‌های زیرزمینی است؛ در صورتی که برای مهار آب در این منطقه باید ده‌ها سد ساخته شود.

احیای دریاچه ارومیه محال است

در مورد خشک‌شدن دریاچه ارومیه هم باید گفت که دیگر امکان ندارد دریاچه ارومیه احیا شود، هر چقدر آب به دریاچه ارومیه ریخته شود به چاه می‌رود و دیگر محال است این دریاچه احیا شود. دلیل خشک‌شدن زاینده‌رود نیز همین است، زاینده‌رود را چاه خشک کرد و این رود نیز مانند دریاچه ارومیه محال است که احیا شود زیرا زمین‌ها به دنبال عمیق‌ترشدن چاه‌ها نشست کرده است در آن بهشت زهرا در گذشته وقتی حفاری صورت می‌گرفت، آب فوران می‌کرد اما درحال‌حاضر به دلیل حفاری بی‌رویه چاه، زمین در آن منطقه نشست کرده است با حفر چاه عمیق به دلیل وجود نیروگاه‌های اطراف فامنین و کبودآهنگ سبب شده تا آب چاه کل روستاهای اطراف خشک شود و به دنبال آن زمین‌ها نشست کند؛ بنابراین چنین نیروگاه‌هایی باید تعطیل شوند. امروزه شاهد هستیم که زمین نشست می‌کند یا پل‌ها کج می‌شود که به دنبال آن لوله آب و گاز می‌شکند؛ اما هیچ‌کسی نمی‌داند علت آن چیست. باید گفت علت آن برداشت بی‌رویه از آب زیرزمینی و حفر چاه‌های عمیق است.

هشدار به راه‌اندازی طرح قطار سریع‌السیر

در مورد راه‌اندازی قطار سریع‌السیر بین تهران و مشهد باید گفت مسئولان نباید اجازه دهند چنین طرحی اجرایی شود زیرا مسیر این قطار با سرعت ۳۰۰ کیلومتر از گرمسار، سمنان و شاه‌رود می‌گذرد، درصورتی‌که در این مسیر هر لحظه امکان نشست زمین وجود دارد. یکی از دلایل آن حفر چاه‌های عمیق و برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی است. متأسفانه به دلیل بی‌توجهی‌ها در سال‌های گذشته، شاهد عمیق‌ترشدن چاه‌ها و تشدید ریزگردها و نشست زمین‌ها بوده‌ایم از سوی دیگر در گذشته جنگل‌های مصنوعی احداث کرده‌اند که اکنون چنین جنگل‌هایی به دلیل بی‌آبی در حال خشک‌شدن هستند. همچنین کویرها با آب‌های زیرزمینی زنده هستند، بسیاری از تولیدات ازجمله شیشه‌سازی، ذوب‌آهن، باروت‌سازی و فولاد ویژه کویر است اما کویرهای ما درحال ازبین‌رفتن است.

آب چاه‌ها، لیموشیرین شده‌است

درحال حاضر آب از ۵۵۰ متری استخراج می‌شود، البته لیموشیرین به جای آب استخراج می‌شود بنابراین با چنین وضعیتی کشاورزی غیراقتصادی

است و کشاورزان به آب از عمق ۵۵۰ متری دل‌خوش کرده‌اند. شهرها، صنعت و کشاورزی را توسعه داده‌ایم و اکنون اول راه بهره‌برداری است؛ اما آب تمام شده است، هشدارهای زیادی داده‌ایم، اما فایده ندارد، اکنون مانند خانواده ۴۰نفره هستیم که همه مهندس و دکتر شده‌ایم، اما زمینه‌ای برای فعالیت و درآمدزایی نیست.

اقداماتی که باید انجام دهیم

آب فاضلاب را باید تصفیه کنیم، تهران رود ندارد، اما سه رود فاضلاب دارد، از این آب می‌توان در فضای سبز استفاده کرد، البته این درحالی است که برخی کشورها، آب فاضلاب را برای آشامیدن تصفیه می‌کنند. دومین اقدامی که باید انجام دهیم، جمع‌آوری آب‌های سطحی است، به عنوان مثال همدان ۳۳۰ میلی‌متر بارندگی دارد، اما آب در این استان کوهستانی جیره‌بندی می‌شود. استفاده از آب شور نیز باید مورد توجه قرار گیرد، در حال حاضر در قم کارخانه آب‌شیرین‌کن راه‌اندازی شده است، البته نگفته‌ام بعضی‌ها از دستگاه‌های آب‌شیرین‌کن استفاده می‌کنند که سرطان‌زااست، وزارت نیرو باید بهترین و استانداردترین دستگاه را معرفی کند.

جملات اشتباه

وزیر جهاد کشاورزی در ماه‌های گذشته اظهارنظری کرده است مبنی بر اینکه گندم به آب زیادی نیاز دارد بنابراین در ایران نباید کشت شود و کشت آن باید در کشورهای دیگر انجام شود. اکنون ۵۰۰ هزار هکتار از زمین‌های خارج کشور توسط ایران کشت می‌شود، پرسش بنده این است که در دنیا نمونه بیابوردی که چنین کاری شبیه ما انجام می‌دهند، همین کارشناسان، ممکلت را به این روز انداخته‌اند. در حال حاضر برخی کشورها از رطوبت ۳۰ درصدی، آب می‌گیرند، اما ما به دنبال مصرف بی‌رویه آب هستیم. از سوی دیگر، شاهد تجارت آب هستیم، به‌گونه‌ای که امروز آب کشاورزان را خریداری می‌کنند و به کشاورزان می‌گویند برو سفر و خوش‌گذرانی.

نابودکردن استان‌ها با انتقال آب

در مورد انتقال آب نیز باید به مسئولان گفت هر استانی را خواستید نابود کنید، آب به آن استان دهید یا اگر خواستید بچای را ناهل و خراب کنید، به آن پول دهید. درحال‌حاضر شاهد انتقال آب خوزستان و دیگر استان‌ها بهتیم در صورتی‌که نباید تعادل استان‌ها را با انتقال آب برهم زنیم. همین افغانستانی که به آن لطف کرده‌ایم، زابل را با خشک‌کردن دریاچه هامون نابود کرد، تا دو سال دیگر، سد دوستی را هم خشک می‌کند، با سدی که افغانستان احداث می‌کند، ۷۵ درصد سد دوستی خشک می‌شود.

بخش خصوصی بی‌رحم است

بخش خصوصی بی‌رحم است، بخش خصوصی کار را به‌خوبی انجام می‌دهد، اما انصاف ندارد و بی‌رحم است. مدیریت آب، دارای چهار رکن است که نخستین مورد، مدیریت جلوگیری از هزرفتن آب و سدسازی است که باید موردتوجه مسئولان قرار گیرد. در مورد سدسازی نیز باید گفت سدسازی همیشه بد نیست، البته در کنار سدسازی، باید تعادل را حفظ کرد، یعنی اولویت‌بندی صحیح آب به‌ویژه آب سد و مدیریت در مصرف آب، باید مورد توجه قرار گیرد. در بخش صنعت می‌توان هفت بار از آب استفاده کرد، یا آب شرب در چرخه مصرف یک استان می‌تواند در سه بخش مصرف خانگی، شهرداری و ادارات مورد استفاده قرار گیرد. آب شرب مصرف خانگی در سه بخش آشپزخانه، حمام و حیاط می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، بنابراین الگوی مصرف باید داشته باشیم. از سوی دیگر، درحال‌حاضر چهار شیوه مصرف آب ازجمله اسراف در مصرف، خسیسی در مصرف، استفاده بهینه از مصرف و هردادن آب وجود دارد که ما ایرانی‌ها، اولی یا آخری هستیم و هیچ زمان، تعادل را رعایت نمی‌کنیم. اگر بخواهیم در مورد وضعیت کم‌آبی تهران صحبت کنیم، درحال‌حاضر ۷۰ چاه دیگر نیز در تهران در حال فرفرشدن است، با حفر چاه، آب زیاد نمی‌شود، بلکه آب زودتر تمام می‌شود.

گزارش جدید از هزینه‌های معیشت کارگران

طبق محاسباتی که پیش از این از سوی گروه‌های کارگری صورت گرفته است، هزینه ماهانه یک خانوار چهار نفره ساکن شهرها تا سه‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است که در نهایت با تعدیل و حذف برخی موارد، این هزینه نمی‌تواند از دومیلیون و ۷۰۰ هزار تومان کمتر باشد.

هو الباقی

خانواده گرانقدر استاد دکتر صادق آئینه‌وند

ایمان داریم که جز او همه فانی هستیم و از دنیای خاکی به سوی خالق خویش باز می‌گردیم. اما هرکس این‌گونه منزه که استاد و مرشد و عزیزدل همه ما زیست، نمی‌زید و آن‌گونه سبکبار که او رفت، نمی‌رود. شاگردی او همیشه برایمان افتخاری بزرگ بود. اینک در سوگ بزرگ‌ترین حامی جامعه زنان ایران سوگواریم. خدا به ما و شما صبر دهد. روحش شاد و یادش جاودانه باد.

انجمن زنان پژوهشگر تاریخ

خبر

تداوم ریزش تا ۵۹هزار واحد

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۶۳۵۳۰۰۲	۵۳۸۰۹-
۳۰شرکت بزرگ	۲۹۰۳۰۹	۳۵۰۹-
آرژاد شناور	۷۲۷۴۰۰۵	۸۳۱۰۸-
شاخص قیمت	۶۷۱۷۲۵	۲۳۰۰۶-
شاخص کل (هم‌وزن)	۹۸۷۴۸	۵۰۲-
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۹۰۰۱۳	۴۵۸-

● **شرق:** شاخص بورس اوراق بهادار تهران در آغازین روز هفته نیز به روند نزولی خود ادامه داد و این‌بار ۵۲۸ واحد افت کرد و به کانال ۶۳ هزار واحدی رسید. همچنین نمادهای مخبرات ایران، بانک ملت، صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس، پالایشگاه بندرعباس و بانک صادرات ایران در کاهش شاخص اثرگذار بوده و نماد شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی و تاپیکو در تقویت شاخص اثرگذار بوده‌اند. فراز مسافری‌راد، تحلیلگر بازار سرمایه، در گفت‌وگو با «شرق» علت ریزش دوباره شاخص را کاهش نقدینگی در بازار ارزیابی کرد و گفت: می‌توان پیش‌بینی کرد که این روند نزولی ادامه پیدا کند و به کف بازار تا ۵۹ هزار واحد برسد، اما این روند نزولی چندان توجیه‌پذیر نیست، چراکه ارزش ذاتی سهام‌های موجود در بازار بیش از آن چیزی است که اکنون نرخ‌گذاری می‌شود، اما متأسفانه مشکلات ساختاری بورس اوراق بهادار تهران مانع از آن می‌شود که سهم‌ها به ارزش ذاتی خود برسند. به گفته وی، نمادهای بانکی نیز همچون هفته گذشته افت قابل‌ملاحظه‌ای داشتند که علت آن را باید در عدم اعلام ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول جست‌وجو کرد.

نزدیکی ۲ دلار

ارز *	قیمت (تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۳۱۰۹	-
یورو	۳۷۵۵	↓
پوند	۵۰۷۵	↑
درهم	۹۰۸	↓

● **شرق:** دلار آزاد و دلار بانکی، دیروز به‌هم نزدیک شدند. ابتدای معاملات روز گذشته هر دلار آمریکا فارغ از اینکه صرافان آن را معامله‌کنند یا عوامل بانکی، به نرخ سه‌هزارو ۳۳۰ تومان فروخته شد. با ادامه معاملات در بازار ارز، قیمت هر دلار آزاد تا سه‌هزارو ۳۲۲ تومان کاهش یافت و دلار بانکی هم تا سه‌هزارو ۳۱۹ تومان افت کرد. فاصله این دو دلار، دیروز به سه تومان رسید که کمتر اتفاق افتاده است. مصطفی قدرتی با اشاره به این نکته، به «شرق» می‌گوید: بازار ارز با همین نرخ‌ها به کار خود پایان داد، هرچند معاملات آنلاین همچنان ادامه دارد. علاوه‌براین، دلار در بازار دیروز بر همان نرخِ ایستاد که روز پنجشنبه به کار خود پایان داده بود. او بازار دیروز ارز را کم‌رمق توصیف کرد و حجم معاملات را هم کمتر از روز پنجشنبه گذشته و حتی روزهای قبل‌تر دانست.

طلا بلامرغ

طلا و سکه *	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۴۰۰۰۰	↓
طرح قدیم	۹۳۹۵۰۰	↓
نیم	۴۸۲۰۰۰	↓
ربع	۲۶۹۰۰۰	↓
گرمی	۱۸۲۰۰۰	-
گرم ۱۸ عیار	۹۶۱۰۰	↓
اونس+ (دلار)	۱۱۸۸	↑

● **شرق:** سکه دیروز حبابی بود، اما این حباب به نسبت روزهای قبل کمتر و قابل محاسبه بود. روز گذشته حباب سکه طرح جدید به ۱۲ هزار تومان رسید و از آنجایی که دیروز فاصله دو دلار بانکی و آزاد به سه تومان رسید، این حباب قابل محاسبه شد. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه، در گفت‌وگو با «شرق» بازار دیروز را بدون نوسان قیمت توصیف می‌کند: معاملات سکه در حداقل ممکن انجام شد و نوسان چندانی در قیمت انواع سکه مشاهده نشد. هر سکه طرح جدید دیروز اول صبح ۹۲۲ هزار تومان معامله شد و تا ۹۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان هم پاید آمد، اما آخر وقت بازار نقدی دیروز قیمت سکه طرح جدید با افزایش همراه شد و بازار با نرخ ۹۴۰ هزار تومان برای هر سکه بسته شد.

جناب آقای دکتر بهروز زنوز

درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت می‌گوییم و خود را در غم شما شریک می‌دانیم.

پوران ارشادیان –عباس اسعدیان –داریوش اسفاری

پیمان برازجانی – فاطمه پارسا – کامران پورصفر

سهیلا تهریزی – محسن ثلاثی – لعیا جوشنی

ژاکلین حق شناس – مهدی خسروی – نقی ذوقی

داود زواره‌ای – هما سعید پور – علی طاهر آموز

کاظم محقق –عباس مخبر –منصوره مقدم

فرح منهجی – ندا موسوی – نصرت هادی زاده

همکاران ارجمند

آقایان دکتر بهروز هادی زنوز، دکتر داود دانش جعفری

درگذشت مادران گرامی آن عزیزان را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن درگذشتگان آمرزش و آرامش ابدی و برای بازماندگان شکیبایی و عزت خواهانیم.

حمید آتامده، حمیدرضا ارباب، نعمت‌الله اکبری، مینو امینی میلانی

کمال اطهاری، محمود اولاد، محسن ایزدخواه، علی‌اصغر بانونی

لطیفی بخشی، حمید برادران شرکا، فاطمه برازان، مهدی تکیه

اسفندیار جهانگرد، مهدی جهرمی، مرتضی چینی‌چیان، محمود خنایی

جعفر خیرخواهان، علی دینی‌ترکمانی، حسین راغفر، محسن رنایی

پرویز زندی‌نیا، بهروز زنوز، عبدالحسین ساسان، بهرام سبحانی

محمد ستاریفر، عباس شاگری، هوشنگ شجری، مصطفی شریف

محمدحسین شریف‌زادگان، علی صادقی‌تهرانی، حسن طائی

عبدالله طاهری، رضا عاصی، منوچهر عسکری، علی عرب‌مازازی‌دی

میکائیل عظیمی، زهرا کریمی، محمدولی کیانمهر، عبدالرسول قاسمی

محمد قاسمی، فرهاد مؤمنی، سعید مشیری، سید محمدحسن مصطفوی

تیمر محمدی، حجت‌الله میرزائی، دکتر احمد میدری، علیرضا ناصری

حمید نوابپور، محمدقلی یوسنی